

پیش کسوت کیست

مدت ها در این فکر بودم که در دنیای ورزش، پیش کسوت کیست؟ آیا اختصاص این عنوان به هر فردی که مدتی در ورزش بوده و کارنامه ای دارد لازم و ضروری است؟ آیا هر کسی با هر ویژگی و خصوصیات که به توپ ضربه ای زده و حال سنی از او گذشته است می تواند مدعی پیشکسوتی باشد؟ این روزها برای این که برخی ها بتوانند بر گذشته خود و یا بر رفتارهای ناپسند و غلطت سرپوشی بگذارند سعی بر آن دارند که با به کار بردن لفظ پیش کسوت و جای دادن خود در میان چهره های موجه خودی نشان بدهند.

حتما همه ما دیده ایم و با تمام وجود درک کرده ایم که یک چهره ورزشی در سطح جامعه به هر کجایی که می رود و به هر محیطی که قدم می گذارد، قدر می بیند، همه به احترامش به پا می خیزند، در مقابلش رسم ادب را به طور کامل به جای می آورند، در مجالس رسمی در صدر می نشانند او را و از همه مهم تر هر کس که نامش را بشنود بر او آفرین می گوید و با ذکر خاطراتی شیرین و دلچسب یادش را گرامی می دارند و در مقابل دیده ایم ورزشکاری را که هر چند از نظر ورزشی از بیشتر افراد بالاتر و سرآمد تر بوده است اما در میان مردم از قرب و منزلت برخوردار نبوده، کسی در محافل رسمی و غیر رسمی به استقبالش نمی رود، در صدر مجالس امکان نشستن برای او فراهم نمی شود، ورزشی ها و دوستداران ورزش در دور و برش وی حلقه نمی زنند و به عبارتی ساده تر کسی او را به چیزی نمی خرد.

گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود
تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود

پس این که من یک ورزشکار بودم، خوب فوتبال بازی کرده ام، گردن آویز طلا را صاحب شده ام، از سکوهای افتخار بالا رفته ام پیش کسوتم و مورد احترام جامعه، نمی تواند حرفی منطقی، قابل قبول و تاثیر گذار باشد.

در دنیای ورزش هر کسی که قدم می گذارد و رشته ای را برای فعالیت انتخاب می کند غایت آرزو و هدفش بازی در تیم ملی و پوشیدن پیراهن پرافتخار آن می باشد. باید باور کنیم که غایت همه چیز انسان شدن است و پیش کسوت یک انسان است و چه دشوار راهی برای انسان شدن در پیش پای فرزندان آدم قرار گرفته است

باید فهمید و با تمام وجود درک کرد که قدم اول در راه انسان شدن پا نهادن روی امیال خاصی است. این که تشنه باشی و آب را سر نکشی، گرسنه باشی و لب به غذا نزنی، خسته باشی و همچنان به تلاش و کوشش

ادامه بدهی، فقیر و ندار باشی ولی لحظه ای فکر کمک کردن به دیگران و دستگیری از نیازمندان را از خود دور نکنی و این همه در طول عمر به ویژه در دوران جوانی رعایت بکنی و تا جایی بررسی که جز خدا نبینی و جز به خیر مطلق به چیز دیگری فکر نکنی. آیا این دشوار نیست؟ آیا دست یابی به این اهداف مرد کهن نمی طلبد؟ راه ورزش همین است. ورزش می تواند در رسیدن به این کمالات راه را هموار نماید، ورزش است که می تواند پیروان خود را در راه انسان شدن مساعدت کند و دستشان را بگیرد. حال با توجه به این گفته ها می توان پرسید که ما چند پیش کسوت می توانیم داشته باشیم؟ آیا با این شرایط سخت و دشوار، رسیدن به جایگاه والای پیش کسوتی نمی تواند دشوار باشد؟

در پاسخ به سؤال دوم این مطلب می توان گفت به شرطی که رهروان ورزش و اطراق کنندگان در این وادی خود را بشناسند و زندگی و اخلاق و رفتار خود را در چارچوب تعریف شده قرار بدهند و چشم بر روی هرآنچه که بر خلاف مسیر اصلی انسان شدن باشد، ببندند و در همه حال خدا را ناظر بر اعمال و کردار ببینند می توان ادعا کرد که پیش کسوت شدن آسان شده و دست یافتن به این عنوان مقدس در معنا و مفهوم واقعی اش امکان پذیر می شود.